

نقد و بررسی کتاب

# گلشن ابرار

## بایسته بازنگری

• سیدحسین فاطمی موحد

- گلشن ابرار (۷ جلدی)
- جمعی از پژوهشگران پژوهشکده باقرالعلوم (ع)
- قم، نشر معروف و انتشارات نورالسجاد
- چاپ اول، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ ش
- ۵۱۲، ۶۴۰، ۵۰۴، ۵۹۱، ۶۶۳، ۶۵۶، ۵۶۸ ص، وزیری

از فعالیت‌های پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، نشر زندگی‌نامه مختصر از زندگی علما و بزرگان دین - از گذشته‌های دور تا عصر حاضر - در مجموعه‌ای با عنوان گلشن ابرار است. تاکنون ضمن هفت جلد از این کتاب، ۳۶۰ تن شناسانده شده‌اند و این طرح هم‌چنان ادامه دارد. از آن‌جا که نویسندگان بنا داشته‌اند با نگاهی اجمالی، زندگی هریک از علما را بنگارند، توجه آنها بیش‌تر به این موارد معطوف بوده است: زادگاه، تاریخ ولادت، تحصیلات، استادان، شاگردان، آثار، ویژگی‌های اخلاقی، تاریخ وفات و مدفن. هم‌چنین اگر شخصیت‌هایی، ویژگی‌هایی خاص، مانند فعالیت‌های





سیاسی و فرهنگی، داشته‌اند، نویسنده به آن بُعد، بیش‌تر پرداخته است. کوشش شده است تا مقاله‌های این مجموعه یکدست باشد و دست‌اندرکاران از این جهت موفق بوده‌اند.

با وجود فراوانی علما، نه می‌توان شرح زندگانی آنها را به خاطر سپرد و نه هنگام نقل هر نکته، می‌توان کامل و دقیق تحقیق کرد، تا اشتباهی رخ ندهد. به ویژه که نویسندگان، ناچارند به منابع دست‌چند اعتماد کنند. گلشن ابرار از جمله مأخذ دم‌دستی است که به سرعت، مطالب آن در کتاب‌ها و نشریات نشر خواهد یافت و چاپ مجدد مجلدات پیشین، خود از نشانه‌های استقبال از این کتاب است؛ با این‌همه این مأخذ نیز خالی از پاره‌ای لغزش‌ها نیست و می‌توان به راحتی حدس زد که این اشتباه‌ها به دیگر آثار نیز راه یابند. ناگفته نماند که پاره‌ای از لغزش‌ها طبیعی است و مواردی از این قبیل، در آثار مهم‌تری حتی چون الذریعة و اعیان‌الشیعة نیز دیده می‌شود. کسانی که لغزش‌هایی در این کتاب یا آثار مشابه می‌یابند، می‌باید به جای تخطئه پدیدآورندگان، ایرادات احتمالی را تذکر دهند تا گامی باشد در جهت تکمیل کتاب. در عین حال، نگارنده در موارد متعدد متوجه دقت نظر نویسندگان شده است.

بجاست که گلشن ابرار در درجه نخست توسط متخصصان تراجیم، تجدید نظر شود؛ سپس زندگی‌نامه‌های موجود در همه مجلدات، در هم ادغام شده به ترتیب تاریخ حیات، بار دیگر چاپ شوند تا دسترسی به شرح حال‌ها آسان‌تر شود.

در این مقاله برخی لغزش‌ها را تذکر می‌دهیم، با این امید که در چاپ‌های بعدی اصلاحات لازم صورت گیرد. از آن‌جا که تصحیح برخی لغزش‌ها، نیاز به توضیحات بسیار داشته‌اند، به اجمال اکتفا می‌کنیم و خواننده را به مأخذی که حاوی توضیح کافی است، ارجاع می‌دهیم.

#### ۱. ابن شهر آشوب

از کتاب اعیان‌الشیعة (ج ۱، ص ۸۲) نقل شده است که: پیکر عزیز او را در نزدیکی شهر حلب، در دامنه کوه جوشن، در جوار مرقد حضرت محسن بن ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) دفن کردند. (ج ۱، ص ۱۱۱)

در اعیان‌الشیعة چنین مطلبی نیامده است؛ بلکه در حلب محلی است که می‌گویند محل قرار دادن سر مبارک امام حسین (ع) است، با فاصله تقریبی سیصد متر از مرقد منسوب به حضرت محسن (ع). این‌جانب در سفر تابستان ۱۳۸۶ به سوریه، هر دو مکان را زیارت کردم و قبر ابن شهر آشوب در جوار رأس‌الحسین (ع) قرار دارد، نه در جوار مرقد محسن (ع).

#### ۲. شهید ثانی

یک درباره سفرهای علمی شهید ثانی آمده است: «... بار دیگر در سال ۹۴۲ق. برای ادامه تحصیلات به دمشق رفت و مدت یک سال دیگر در این شهر به فراگیری دانش و تحقیق و کنکاش علمی پرداخت. آن‌گاه از دمشق رهسپار کشور مصر گشت». (ج ۱، ص ۱۷۴)

از مأخذ شرح حال شهید، از جمله الدر‌المنثور (ج ۲، ص ۱۵۹) به نقل از خود شهید آمده که وی در سال ۹۴۲ق. عازم مصر شد؛ نه در ۹۴۳ق.<sup>۱</sup>

(دو تاریخ شهادت شهید ثانی به اشتباه سال ۹۶۶ق. ضبط شده است. (ج ۱، ص ۱۷۲)

نخستین کسی که این تاریخ وفات را نوشت، سیدمصطفی تفرشی (زنده در ۱۰۴۴) در نقدالرجال است و پس از او، و به

معاصر شیخ - در تنبیهات المنجمین<sup>۳</sup>.

#### ۴. علامه مجلسی

سال وفات علامه را ۱۱۱۱ ق. ضبط کرده‌اند. (ج ۱، صص ۲۴۹ و ۲۵۶)؛ در حالی که سال ۱۱۱۰ ق. درست است و این مأخذ این تاریخ را تأیید می‌کنند:

الف) میرزا ابراهیم بن زین‌العابدین نصیری - واقعه‌نویس عصر شاه‌سلطان حسین - در دستور شهریاران (ص ۴).  
ب) میر محمد صالح خاتون‌آبادی - داماد علامه - در حدائق المقربین؛ بنا به نقل روضات‌الجنت (ص ۱۲۲).

ج) ماده‌تاریخ‌هایی که به نظم و نثر در وفات او گفته‌اند و از همه بهتر بیت زیر است، که در بردارنده روز و ماه و سال درگذشت اوست:

ماه رمضان که بیست و هفتش کم شد

تاریخ وفات باقر اعلم شد

د) اثر لاری که شفیع‌نام داشته و معاصر علامه، قصیده‌ای در مدح وی گفته که در دیوان خطی او موجود است. وی در رثای علامه، مرثیه‌ای نیز گفته و ماده تاریخی مندرج در آن، مطابق با ۱۱۱۰ ق. است:

از اثر تاریخ جستم عقل گفت

قدوه اهل یقین رفت از میان

این ماده تاریخ ضمن شرح حال شاعر، در دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (ج ۱، ص ۱۸۳) نقل شده است.<sup>۴</sup>

#### ۵. سید نعمت‌الله جزائری

یک) از جمله آثار سید نعمت‌الله جزائری را کتاب انیس الفرید فی شرح التوحید نوشته‌اند. (ج ۱، ص ۲۶۲)  
عنوان درست این کتاب - چنان که خود سید در مقدمه آن و در زهرالربیع (ج ۲، ص ۲۰۸) نوشته - انس الوحید است.<sup>۵</sup>  
دو) وفات سید در شب جمعه ۲۲ شوال ۱۱۱۲ ق. نوشته شده (ج ۱، ص ۲۶۲) و ۲۳ شوال درست است.<sup>۶</sup>



پیروی از او دیگران نیز این سال را نوشته‌اند. چنین تاریخی را هیچ‌یک از معاصران یا شاگردان و نزدیکان شهید ذکر نکرده‌اند. بلکه برخی از آنان، سال شهادت او را ۹۶۵ ق. دانسته‌اند؛ از جمله: فرزند او صاحب معالم، حسن بیگ روملو در احسن التواریخ (تألیف حدود ۹۸۰) و احمد غفاری قزوینی (م ۹۷۵) در تاریخ جهان‌آرا و محمود بن محمد لاهیجانی - شاگرد شهید - و پدر شیخ بهایی.<sup>۲</sup>

سه) به تبع اشتباه پیشین، عمر شهید را هم ۵۵ سال نوشته‌اند. (ج ۱، ص ۱۷۶) با توجه به تاریخ صحیح شهادت، او ۵۴ سال زندگی کرد.

#### ۳. شیخ بهایی

سال درگذشت شیخ بهایی با تردید، میان ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱ ق. ذکر شده است. (ج ۱، ص ۲۰۴)

وجهی برای چنین تردیدی وجود ندارد؛ زیرا افراد زیر، سال درگذشت شیخ بهایی را ۱۰۳۰ ق. ضبط کرده‌اند:

اسکندر بیک در تاریخ عالم‌آرای عباسی، حاجی بابای قزوینی - شاگرد شیخ - در مشکول، نصرآبادی در تذکره (تألیف ۱۰۸۳)، مجلسی اول در روضة‌المتقین، عزالدین حسین کرکی - همشین شیخ -، ابراهیم بن عبدالجلیل شیروانی در کتاب مشرق‌الشمسین سال ۱۰۳۱ ق، شیخ هاشم - شاگرد شیخ -، ملامظفر منجم -



## ۶. ملامهدی نراقی

(یک) در شرح حال ملامهدی نراقی آمده است: در سال ۱۱۲۸ ق. در نراق نوزادی از مادر متولد می‌شود. پدر وی، که ابوذر نام داشت و از کارگزاران ساده دولتی بود، به امید اینکه فرزندش از ناشران حقیقی شریعت محمدی (ص) و از منتظران واقعی حضرت مهدی (عج) باشد، نام او را «محمد مهدی» می‌گذارد. (ج ۱، ص ۲۸۵)

عبارت فوق از چند جهت ایراد دارد:

الف) شرح حال نگاران در چند دهه اخیر، تاریخ تولد ملامحمد مهدی نراقی را سال ۱۱۲۸ ق. نوشته‌اند. نخستین کسی که این تاریخ را به صورت حدسی و تقریبی بیان کرد، علامه محمدرضا مظفر است. وی در سال ۱۳۶۸ ق. در مقدمه جامع‌السعادات چنین نوشته است:

سال تولد نراقی در تاریخ مضبوط نیست، زمان تقریبی را می‌توان از پاره‌ای قرائن تاریخی به دست آورد. ظاهراً در اوایل جوانی نزد مولی اسماعیل خواجویی به مدت سی سال شاگردی کرد و می‌دانیم که این استاد او به سال ۱۱۷۳ ق. وفات یافت. بنابراین، آغاز شاگردی نراقی، دست کم سال ۱۱۴۳ ق. است. البته این در صورتی است که تا پایان حیات ملا اسماعیل ملازم او بوده و آغاز شاگردی در پانزده سالگی باشد. بنابراین، ولادت او به سال ۱۱۲۸ ق. یا پیش از آن خواهد بود.

طبق آنچه در نسخه خطی ریاض‌الجنه آمده، او ۶۳ سال عمر کرد.<sup>۷</sup> پس ولادت او، در سال ۱۱۴۶ ق. است. اما این تاریخ به هیچ وجه با این سخن معروف در تاریخ حیات نراقی سازگار نیست که سی سال نزد مولی اسماعیل خواجویی شاگردی کرد؛ زیرا در این صورت عمر او هنگام درگذشت استادش تنها ۲۷ سال خواهد بود.<sup>۸</sup>

حدس مظفر مسلماً اشتباه است؛ زیرا اگرچه تاریخ دقیق تولد ضبط نشده، اما فرزند ارشد او ملا احمد نراقی در یادداشتی به خط خویش در پایان نسخه خطی لؤلؤة البحرین، عمر پدر را هنگام وفات حدود شصت سال درج کرده است.<sup>۹</sup> عبدالرحیم کلانتر خرابی (سهیل کاشانی) در قرن سیزدهم، ضمن شرح حال نراقی،

عمر او را شصت سال ضبط کرده است.<sup>۱۰</sup> با توجه به این که ملا محمد مهدی مسلماً ۱۲۰۹ ق. در گذشت، اگر سال ۱۱۲۸ ق. را به عنوان تاریخ تولد او بپذیریم، به این معنا است که وی ۸۱ سال عمر کرده است. روشن است که سخن فرزند بر حدس دیگران - آن هم بیش از یک و نیم قرن بعد - تقدم دارد.

ناگفته نماند که ملا احمد به صورت کتبی، شرح حال پدر را برای زنوزی فرستاد و او آن را در کتاب خود درج کرده است.<sup>۱۱</sup> بنابراین قول، ۶۳ سال در ریاض‌الجنه<sup>۱۲</sup> در واقع سخن ملا احمد است و چون این عدد دقیق‌تر است آن را ترجیح می‌دهیم. بنابراین سال تولد ملا محمد مهدی حدود ۱۱۴۶ ق. بوده است.

جا داشت مرحوم مظفر مطلب معروف «سی سال شاگردی ملا اسماعیل خواجویی» را مورد انتقاد قرار می‌داد، نه این که به استناد آن، سخن معاصر نراقی را انکار کند.

ب) باید کوشید در نقل مطالب تاریخی، به دور از داستان‌سرایی، همان چیزی نوشته شود که در تاریخ ضبط شده است یا از قرائن قابل اطمینان به دست می‌آید: ندانستیم نویسنده محترم از کجا چنین مطلبی به دست آورده که هدف پدر نراقی از نام‌گذاری «محمد» بر فرزند خویش، این بوده است که وی در آینده از ناشران حقیقی شریعت محمدی شود؟!

وانگهی، قرائنی نشان می‌دهد که نام او، «مهدی» بوده نه «محمد مهدی»؛ زیرا نراقی در مقدمه یکی از آثارش خود را

لباب‌اللقاب نیز نگاشته که وی مدت مدید نزد وحید بهبهانی درس خواند.<sup>۱۴</sup> بنابراین، دست کم مدت اقامت او در عراق سه سال بوده است. از سوی دیگر، نراقی پس از بازگشت از عراق، در سال ۱۸۱۱ق. در کاشان ازدواج کرد؛ چنان که معاصر او صباحی بیدگلی (م ۱۲۰۷ق) در تهنیت و تاریخ ازدواج وی سروده است:

ملا مهدی مه سپهر تمکین

چون گشت قرین دلبری ماه جبین

زد کلک صباحیش بتاریخ رقم

«با هم مه و آفتاب گردید قرین»<sup>۱۵</sup>

تاریخی که از مصراع پایانی به دست می‌آید ۱۸۱۱ق. است. اگر فرض کنیم وی در همان سال ازدواج، از عراق به کاشان رفته و سه سال در عراق مانده باشد و پیش از آن هم، یک سال در کاشان اقامت داشته است، بنابراین، نراقی حداکثر در سال ۱۷۷۷ق. شهر اصفهان را ترک و به کاشان رفته است؛ یعنی حدود ۳۱ سالگی. اگر سی سال اقامت در اصفهان را بپذیریم، به این معناست که نراقی حدود یک سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفته است، در حالی که پیش از آن نیز ادبیات را در کاشان فرا گرفته بود.<sup>۱۶</sup>

درباره سی سال شاگردی ملا اسماعیل خواجویی در اصفهان، گذشته از اینکه روشن شد نراقی سی سال در اصفهان نبوده، این موضوع از راه دیگری نیز مردود است: خواجویی در سال ۱۷۷۳ق. وفات یافت و در آن زمان نراقی حدود ۲۷ سال داشته است. از این گذشته، بعید است نابغه‌ای مانند نراقی به مدت سی سال، آن هم در سنین جوانی، تنها در درس یک استاد شرکت کند.

گویا سرچشمه این عبارت، گفته سید محمد شفیع چاپلی (م ۱۲۸۰ق) که در ردیف شاگردان شاگردان نراقی بود و در شرح

حال نراقی نوشته است:

«قرأ علی العالم الکامل علامه زمانه ملا اسماعیل الخاجویی فی ثلاثین سنة علی ما سمعت»<sup>۱۷</sup>

عبارت «علی ما سمعت» حاکی از تردید نویسنده است و نشان می‌دهد که این مطلب، اساس قابل اعتمادی ندارد.

سه) درباره استادان او آمده است: وی در اجازه‌نامه‌های



«مهدی» معروف به «محمد مهدی» معرفی کرده؛ بنابراین نام اصلی او «مهدی» است.

از این گذشته، اگر پدرش وی را «محمد مهدی» نامیده - و این بدان معناست که این نام اصلی اوست. پس چرا عنوان شرح حال، «ملا مهدی نراقی منادی اخلاق» است؟!

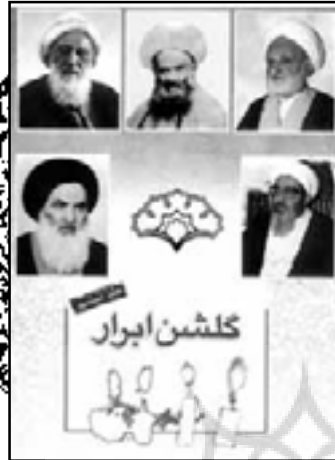
دو) درباره اقامت و تحصیل او در اصفهان آمده است: حدود سی سال توقف در آن شهر از کرسی درس وی (مولی اسماعیل خواجویی) ... استفاده‌های شایان می‌برد. (ج ۱، ص ۲۸۶)

در صفحه بعد آمده است که وی از اصفهان به کاشان می‌رفت و در آنجا کرسی درس و بحث برپا کرد.

عبارت گلشن ابرار مبهم است: ندانستیم مراد نویسنده، آن است که وی سی سال در اصفهان اقامت داشت یا اینکه سی سال در درس خواجویی شرکت کرد، اما به هر حال، هر دو فرض، نادرست است؛ زیرا ابوالحسن غفاری - معاصر نراقی - در باب تحصیلات او در عراق نوشته است:

بعد از مدتی به شوق زیارت عتبات عالیات و عتبه بوسی روضات عرض درجات، روانه عراق عرب [گشته] و در آنجا نیز مدتی معتدبه توقف نموده، از فضالی آن حدود مثل ... استفاده حدیث فرمودند.<sup>۱۸</sup>

تعبیر «معتدبه» نشان می‌دهد که مدت اقامت نراقی در عراق طولانی بوده است. ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ق) در



علیه السلام» گذاشتم.

#### ۹. شیخ آقابزرگ تهرانی

تاریخ درگذشت او ۱۲ اسفند ۱۳۴۸ ش. برابر جمعه ۱۳ ذی حجه ۱۳۹۸ ق. ذکر شده است. (ج ۲، ص ۷۱۵)  
بی گمان ۱۳۸۹ ق. درست است.

#### ۱۰. علامه امینی

در پایان شرح حال‌ها، محل دفن علما آمده است؛ اما مدفن علامه امینی را مشخص نکرده‌اند. (ج ۲، ص ۷۳۵)  
علامه امینی، در بقعه‌ای در جوار کتابخانه امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف به خاک سپرده شد و نگارنده در سال ۱۳۸۵ ش. توفیق زیارت مرقد او را یافت.

#### ۱۱. شهید آیت‌الله سعیدی

محل دفن او را نیز مشخص نکرده‌اند. (ج ۲، ص ۷۴۲)  
مدفن او در قبرستان وادی السلام در قم است و پس از انقلاب، بارگاهی بر آن ساخته‌اند.

#### ۱۲. ملا صالح مازندرانی

در پایان، شرح حال او آمده است که تاریخ وفات وی را ۱۰۸۰

تفصیلی خود از این سروران با احترام و عظمت یاد می‌کند و از آنان به عنوان «کواکب سبعة» یعنی هفت ستاره<sup>۱۸</sup> نام می‌برد. (ج ۱، ص ۲۸۸)

کسی که مشایخ ملامهدی را «کواکب سبعة» خوانده، ملا احمد است، نه خود او.<sup>۱۹</sup>

چهار) در شمارش فرزندان او آمده است: پس از رحلت ملا محمد مهدی نراقی، چهار فرزند برومند به نام‌های ملا احمد، ملا ابوالحسن، ملا اباد و ملامهدی از وی به یادگار ماندند. (ج ۱، ص ۲۹۳)

کتاب تاریخ کاشان (تألیف قرن ۱۳) از پنج فرزند یاد شده است و یکی از آنها میرزا ابوالقاسم است<sup>۲۰</sup> که در گلشن ابرار نامی از او به میان نیامده است. میرزا ابوالقاسم (م ۱۲۵۶ یا ۱۲۶۵ ق) پس از درگذشت برادرش ملا احمد، به ریاست حوزه علمیه کاشان نایل شد.

پنج) تاریخ درگذشت نراقی «روز شنبه ۱۸ شعبان ۱۲۰۹ در هشتاد و یک سالگی» نوشته شده است. (ج ۱، ص ۲۹۳)  
در حالی که وی در شب شنبه درگذشت نه روز شنبه؛ در هشتم شعبان، نه هیجدهم؛ در حدود ۶۳ سالگی، نه ۸۱ سالگی.  
توضیح بیشتر در مقاله‌ای از اینجانب با عنوان «لغزش‌ها در شرح حال ملا محمد مهدی نراقی» در مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۱ آمده است.

#### ۷. شیخ انصاری

سال وفات او ۱۲۹۸ ق. ضبط شده است. (ج ۱، صص ۶ و ۳۳۱)  
در حالی که او تاریخ درست، در سال ۱۲۸۱ ق. است.

#### ۸. محدث نوری

از کتاب او با عنوان «نجم‌الثاقب» نام برده شده است. (ج ۱، صص ۴۱۵ و ۴۱۶)

ممکن است خواننده‌ای این کتاب را عربی بیندارد؛ در حالی که فارسی است. محدث نوری در مقدمه، از کتاب خویش چنین نام می‌برد: نام این نامه گرامی را «نجم ثاقب در احوال امام غائب

### ۱۷. میرداماد

سال وفات سید محمدباقر میرداماد را ۱۰۴۰ ق. نوشته‌اند. (ج ۴، صص ۱۴۰ و ۱۵۰)  
در حالی که ۱۰۴۱ ق. درست است؛ و این مطلب در تذکره نصرآبادی (ص ۴۸۲) و سلافة العصر (ص ۴۷۸) و امل الآمل (ج ۲، ص ۲۴۹) که نزدیک به عصر او بوده‌اند، آمده است. ماده تاریخ وفات او چنین است: «عروس علم و دین را مرد داماد».  
در برخی مأخذ که سرچشمه آن به روضات الجنات (ص ۱۱۶) می‌رسد، سال درگذشت میرداماد را ۱۰۴۰ ق. نوشته‌اند که با این ماده تاریخ مطابق است: «عروس علم دین را مرده داماد» و آن تصحیف مصرع پیش گفته است، با این تفاوت که یک «و» کم و یک «ه» اضافه شده است.<sup>۲۳</sup>

### ۱۸. میرمحمد صالح خاتون آبادی

یکی از آثار او الحديقة السليمانية معرفی شده است. (ج ۴، ص ۲۰۳)  
این کتاب فارسی است و چنین آغاز می‌شود: عقود لآلی فاخره آینه‌یی بی انتها چهره آرائی ...  
عنوان درست کتاب، حدیقه سلیمانی است - بدون الف و لام - و سرچشمه اشتباه برخی که نام کتاب را با الف و لام نوشته‌اند، کتاب روضات الجنات (ص ۱۹۸) است.<sup>۲۳</sup>

### ۱۹. میرزا رفیعی نائینی

سال درگذشت میرزا رفیعا ۱۰۸۲ ق. ضبط شده است. (ج ۷، صص ۵۶ و ۶۸)  
در حالی که او در سال ۱۰۷۹ ق. درگذشت؛ چنانکه در جامع الرواة (ص ۳۲۲) آمده است؛ هرچند که بر سنگ مزارش تاریخ ۱۰۸۲ ق. را حک کرده‌اند؛ زیرا صاحب جامع الرواة شخصی محقق و معاصر میرزا رفیعا و ساکن اصفهان و از نزدیک شاهد حال او بوده است و معلوم نیست تا چه حد می‌توان به سنگ مذکور اعتماد کرد.<sup>۲۴</sup>

### ۲۰. آیت الله فاضل لنکرانی

۱. تاریخ تولد مرحوم آیت الله محمد فاضل لنکرانی سال ۱۳۱۴ ش. ضبط شده است. (ج ۶، صص ۶ و ۵۶۶)،

و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۶ ق. نوشته‌اند؛ اما بی گمان دو تاریخ نخست، اشتباه است و تاریخ صحیح همان ۱۰۸۶ ق. است. (ج ۳، ص ۱۱۳)  
البته در فهرست و در آغاز شرح حال نیز سال وفات او را ۱۰۸۱ ق. نوشته‌اند.

### ۱۳. آقاجمال الدین محمد خوانساری

آقاجمال خوانساری را از استادان سید نعمت الله جزائری دانسته‌اند. (ج ۳، ص ۱۱۷)  
آنها هم دوره بودند و پدر آقاجمال، آقاحسین خوانساری استاد سید نعمت الله بوده و در این جا خلطی صورت گرفته است.<sup>۲۱</sup> در شرح حال سید نعمت الله (ج ۱، ص ۲۵۸) مطلب به صورت درست آمده است.

### ۱۴. ملاحسین قلی همدانی

درباره محل دفن او آمده است: پیکر شریف آن مرحوم در صحن مطهر امام حسین (ع) در حجره چهارم صحن به خاک سپرده شد. (ج ۳، ص ۱۷۳)  
اولاً؛ بر گرداگرد صحن، حجره است و این نشانی مبهم است. هنگام ورود به صحن مطهر از باب زینبیه، سمت چپ، چهارمین حجره واقع شده است.  
ثانیاً؛ مزار او مقابل حجره چهارم است نه در آن.  
نگارنده در سفر به کربلای معلی در ۱۳۸۵ ش، توفیق فاتحه بر مزار او را یافت.

### ۱۵. آیت الله خادمی

تولد ایشان را در ۱۳۱۹ ق. و تاریخ درگذشت را در ۱۳۰۲ ق. نوشته‌اند. (ج ۳، صص ۷ و ۴۳۹)  
نخستین بار است که دیده می‌شود کسی هفده سال قبل از تولد، از دنیا رفته! و امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پیش از ولادتشان، به مناسبت درگذشت او اعلامیه صادر کرده‌اند!

### ۱۶. علامه محمد تقی جعفری

تنها نوشته شده که او در ۲۵ آبان ۱۳۷۷ ش. در لندن درگذشت. (ج ۳، ص ۵۲۶)  
اما نوشته‌اند که بدن آن مرحوم در بارگاه امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

- فهرست‌نویسی پیش از انتشار (فیبا)، در مجله پژوهش و حوزه، ش ۹، بهار ۱۳۸۱، صص ۱۳۲-۱۳۴.
۴. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، صص ۱۵۳-۱۵۵.
۵. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۵۰.
۶. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۳۴۰.
۷. کتاب ریاض‌الجنه توسط کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی چاپ شده است و شرح حال نراقی در جلد چهارم از صفحه ۵۶۷ تا ۵۷۴ آمده است.
۸. مقدمه جامع‌السعادات، ص «ب».
۹. ر.ک: مقدمه عوائد‌الایام، ص ۶۶ و مقدمه شرح الالهیات من کتاب الشفاء، ص ۲۳.
۱۰. تاریخ کاشان، ص ۲۸۱.
۱۱. ر.ک: ریاض‌الجنه، ج ۴، ص ۵۷۳.
۱۲. ریاض‌الجنه، ج ۴، ص ۵۷۱.
۱۳. گلشن مراد، ص ۳۹۳.
۱۴. لباب‌الالقباب، ص ۹۲.
۱۵. مقدمه شرح الالهیات، ص ۳۲، به نقل از دیوان صباحی بیدگلی، ص ۱۳۶.
۱۶. گلشن مراد، ص ۳۹۳.
۱۷. اوایل کتاب الروضة البهیة.
۱۸. ترجمه دقیق، «ستاره‌های هفت‌گانه» است نه «هفت ستاره».
۱۹. ر.ک: مقدمه عوائد‌الایام، ص ۷۰ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۵۳.
۲۰. تاریخ کاشان، ص ۲۸۲.
۲۱. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، صص ۱۷۷ و ۱۸۱.
۲۲. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، صص ۱۴۲-۱۴۳.
۲۳. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۳۷۲.
۲۴. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۲۱۴.
- یکی از شواهدی که نشان می‌دهد به سنگ قبرها نمی‌توان اعتماد چندانی کرد، آن است که تاریخ وفات امامزاده ناصرالدین در قم، رویه‌روی مسجد امام حسن عسکری(ع) را بر سنگ مزار، سال ۸۲۸ ق. حک کرده‌اند. حال آنکه او در زمان تدوین عمدة الطالب (ص ۷۲) که پایان تألیف آن در سال ۸۱۲ یا ۸۱۴ ق. بوده، حیات نداشته است؛ زیرا در آن‌جا محل دفن او مشخص شده است.
۲۵. ر.ک: مرجع وارسته، آیت‌الله شیخ محمد فاضل لنکرانی، ص ۳۵.

- حال آنکه ایشان مسلماً در سال ۱۳۱۰ ش. به دنیا آمد. این اشتباه موجب شده است که شرح حال آیت‌الله فاضل پس از شرح حال آیت‌الله مصباح یزدی (متولد ۱۳۱۳ ش) بیاید.
- سرچشمه این اشتباه از آن‌جاست که پدر آیت‌الله فاضل متولد ۱۳۱۴ ق. بوده و مطالب خلط شده است.
۲. پس از تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی، پدر آیت‌الله فاضل نامه‌ای اعتراض‌آمیز در سال ۱۳۴۲ ش. به اسدالله علم - نخست‌وزیر وقت - نوشت،<sup>۲۵</sup> اما در گلشن ابرار این نامه به خود آیت‌الله فاضل نسبت داده شده است. (ج ۶، ص ۵۷۴)
۳. چنین نوشته شده است که آیت‌الله فاضل کتاب اهل بیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر را با همکاری آقایان سیدمصطفی خمینی و اشراقی نوشت. (ج ۶، ص ۵۷۹)
- در صفحه بعد، از قول آیت‌الله فاضل آمده که ایشان این کتاب را تنها با همکاری آیت‌الله اشراقی نوشت.
۴. مدت تبعید آیت‌الله فاضل در بندر لنگه و یزد در رژیم طاغوت، دو سال نوشته شده است. (ج ۶، ص ۵۷۴)
- آیت‌الله فاضل در مقدمه تفصیل‌الشریعة نوشته است: بعد از انتقال از بندر لنگه به یزد، شروع به نوشتن شرح بر تحریر الوسیلة کردم. در مدت اقامت در یزد که بیش از دو سال و نیم به طول انجامید، چند مجلد تفصیل‌الشریعة را به اتمام رساندم. (ج ۱، ص ۸)
- اگر چهار ماه تبعید در بندر لنگه را با بیش از دو سال و نیم در یزد جمع کنیم، مدت تبعید ایشان حدود سه سال خواهد بود.

## ۲۱. آیت‌الله محمدی گیلانی

- سال تولد آیت‌الله محمد محمدی گیلانی در ۱۳۰۷ ق. نوشته شده است. (ج ۷، صص ۶ و ۵۰۷)
- ایشان هنوز حیات دارد و باید این تاریخ به سال شمسی ضبط می‌شد.

## پی‌نوشت

۱. جمع پریشان، ج ۱، ص ۳۹۰.
۲. ر.ک: مقدمه منیة المرید، تحقیق رضا مختاری، صص ۱۳-۱۷ و جمع پریشان، ج ۱، صص ۳۹۵ - ۳۹۹.
۳. ر.ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۱۱۴ و مقاله‌نگاهی به مأخذ